



چرا صلوات بفرستیم؟/شرح دعای ۴۵ صحیفه سجادیه

معرفت و محبتی که در عمق دل ما تا ابد باقی می ماند باعث می شود انسان در عالم آخرت هم با ائمه اطهار(ع) محشور باشد این کجا و آن کجا؟! باید همت‌مان را بلندتر کنیم و بیشتر روی حاجت‌های معنوی تکیه کنیم.

معرفت و محبتی که در عمق دل ما تا ابد باقی می ماند باعث می شود انسان در عالم آخرت هم با ائمه اطهار(ع) محشور باشد این کجا و آن کجا؟! باید همت‌مان را بلندتر کنیم و بیشتر روی حاجت‌های معنوی تکیه کنیم.

آن چه پیش‌رو دارید گزیده‌ای از سخنان آیت‌الله مصباح‌یزدی در دفتر قم مقام معظم رهبری است که در شرح دعای وداع با ماه رمضان در تاریخ ۹۴/۴/۲۳، مطابق با بیست‌وهفتم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ ایراد کرده‌اند.

باشد تا این رهنمودها بر بصیرت ما بیافزاید و چراغ فروزان راه هدایت و سعادت ما قرار گیرد.

جلسه گذشته آخرین فراز از دعای وداع با ماه رمضان را تلاوت کردیم و حسن ختامی برای جلسات این ماه شریف شد؛ اما بحث درباره صلوات بر پیامبر و ائمه(ع) کامل نشد. امشب که آخرین شب این سلسله جلسات است، با تبرک جستن به نام اهل بیت(ع) سعی می‌کنم تئمه‌ای برای این بحث بیان کنم.

ذکر و دعای شریف صلوات مورد توجه خاص اهل بیت(س) بوده و در دعاها، از جمله همین دعای صحیفه سجادیه، توجه خاصی به آن شده است. روایاتی هم که در فضیلت این ذکر و این دعا وارد شده بسیار فراوان است. طبعاً این سؤال مطرح می‌شود که این ذکر چه خصوصی تیدارد که تا این اندازه مورد توجه اهل بیت(ع) است، به گونه‌ایکه ائمه اطهار(ع) که خود از اهل بیت هستند در بین دعاها و مناجات‌هایشان چندین مرتبه می‌گویند اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

صلوات؛ موجب لیاقت دریافت رحمت‌های الهی

وقتی ما فهمیدیم این ذکر بسیار اهمیت دارد، به‌خصوص با توجه به ثواب‌هایی که برآین ذکر شده، علاقه‌مندیم که به این نتایج و آثار نائل شویم. معمولاً اولین انگیزه انسان برای گفتن و تکرار کردن این ذکر شریف، نیل به ثواب آن‌هاست. عامل دیگری که می‌تواند در انگیزه ما مؤثر باشد تأثیراتی است که این ذکر شریف در گشایش مشکلات دنیوی ما دارد. اهل بیت(ع) برای این که ما را به گفتن بیشتر این ذکر شریف تشویق کنند تا برآین آخرت‌مان مفید باشد، آثار دنیوی آن را هم ذکر کرده‌اند، از جمله این که فرموده‌اند: این ذکر باعث استجاب دعاها می‌شود. ما نیز درخواست‌هایی چون وسعت روزی، شفای بیماری‌ها، رفع بلاها و ... داریم و این درخواست‌ها امری طبیعی است و اشکالی هم ندارد، بلکه عرض نیاز به درگاه خداوند بسیار هم خوب است. ولیاگر بدانیم عاملی تقویت‌کننده برای استجاب دعا وجود دارد که با رعایت آن، احتمال استجاب دعا بیشتر می‌شود انگیزه ما برای استفاده از آن عامل تقویت می‌شود.

اهل بیت(ع) خود به ما یاد داده‌اند که برای استجاب دعا از این ذکر استفاده کنیم و این لطفی خفیدارد. آن‌ها می‌خواهند ما از فواید، ثواب‌ها و لیاقتی استفاده کنیم که این ذکر برای دریافت رحمت‌های الهی ایجاد می‌کند. هدف اصلی آن‌ها این است که می‌خواهند ما بیشتر به طرف خدا برویم. این حکمت به طور قوی‌تر و شدیدتر در اصل امر به دعا وجود دارد. چرا خدای متعال می‌فرماید: اَدْعُونِیْ اَسْتَجِبْ لَکُمْ؟ چرا نزول رحمت خود و برآورده شدن حاجت ما را مشروط به دعا می‌کند؟ سرّ این شرط این است که خدای متعال دوست دارد ما سراغ او برویم تا رحمت‌ها و کمالات بیشتری نصیب ما گردد و به او تقرب پیدا کنیم؛ وگرنه، خداوند می‌تواند بدون دعا هم همه نیازهای ما برطرف نماید. مگر خداوند نعمت‌های فراوانی را بدون دعا به ما عطا نکرده است؟ به راستی می‌توان گفت اکثریت قریب به اتفاق نعمت‌های الهی بدون درخواست به ما عطا شده است. اگر خدا می‌گوید: از من درخواست کنید تا شما را اجابت کنم، بدین خاطر است که این درخواست وسیله‌ای برای رفتن ما به در خانه او باشد و موجب تقرب به او گردد. البته دعای ما هم اثر دارد و موجب استجاب می‌شود، اما او بیش از آن اندازه که خودمان می‌فهمیم ما را دوست دارد.

اگر اهل بیت(ع) هم ما را به ذکر صلوات سفارش کرده‌اند بدین خاطر نیست که از این راه نفعی به دست آوردند. مقام آن‌ها بسیار بالاتر از این است که بخواهند از ما چیزهایشان شود. این لطف دائمی آن‌ها است که می‌خواهند کاری کنند که از ناحیه آن‌ها فیضی به ما برسد. اما آن‌چه سبب این فیض می‌شود دعا کردن ماست و تا زمانی که ما تصمیم نگیریم و دعا نکنیم، آمین گفتن آن‌ها کمالی برای ما ایجاد نمی‌کند. ممکن است ایشان دعا کنند و خدا به کسی سلامتیعیانیت کند، اما این سلامتی فرق

می‌کند با آن سلامتی که بگویند: تو دعا کن تا ما آمین بگوییم تا دعایت مستجاب شود. در این مورد، علاوه بر سلامتی، ما با خدا هم آشنا شده‌ایم و با او رابطه‌ای برقرار کرده‌ایم.

قدردانی از رسول خدا و آل او صلوات‌الله‌علیهم با صلوات

اما برخی مؤمنین که معرفت‌شان بیشتر از دسته اول است، انگیزه دیگری برای صلوات فرستادن دارند و آن انگیزه‌های فطری برای تشکر از ولی نعمت است. خدای متعال ما را به‌گونه‌ای آفریده است که وقتی از کسی احسان و خدمتی می‌بینیم خود را بدهکار او می‌بینیم و دوست داریم دست‌کم با تشکر زبانی این دین خویش را ادا کنیم. این دسته از مؤمنان وقتی به این حقیقت توجه پیدا می‌کنند که رسول خدا و اهل‌بیت (ع) چه قدر در حق ما لطف کرده‌اند و چه حق عظیمی در نشان دادن راه نجات و سعادت، برگردن ما دارند، درصدد تشکر از آن‌ها برمی‌آیند و از خود می‌پرسند که به‌راستی چگونه می‌توان از کسانی که جان خود و عزیزان‌شان، حتی طفل شیرخواره‌شان را فدا کردند تا ما با خدا آشنا شویم و راه سعادت را پیدا کنیم تشکر کرد. کم‌ترین کاری که می‌توان برای تشکر از آن خاندان بزرگوار انجام داد این است که صلواتی به پیش‌گاه آن‌ها هدیه کنیم و بگوییم: خدایا! ما که توان جبران لطف ایشان را نداریم، از تو می‌خواهیم رحمت‌های خود را بر آن‌ها نازل فرما! پس عامل سوم برای ایجاد انگیزه برای صلوات فرستادن، توجه به تأثیری است که پیامبر و اهل‌بیت (ع) در سعادت ما داشته‌اند.

محبت رسول و آل در آیین صلوات

عامل دیگری هم می‌تواند برای ایجاد انگیزه برای صلوات و درود فرستادن بر رسول خدا و آل او (ع) وجود داشته باشد و این عامل به یک معنا در همه مسلمانان، به‌خصوص ما شیعیان وجود دارد، اما باید رشد کند و تقویت شود. البته رحمت اهل‌بیت (ع) به ما شیعیان اختصاص ندارد. هر مسلمانی هر چه از اسلام می‌داند به برکت ایشان و دست‌کم به برکت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است. همه مسلمانانی که اهل انصاف هستند به برکات اهل‌بیت (ع) و لزوم مودت ایشان اعتراف دارند و در این زمینه چه شیعیان و چه اهل‌تسنن کتاب‌ها نوشته‌اند. برخی مسلمانان اهل تسنن در ایام عزاداری سیدالشهداء (ع) به عنوان اعلام مودت به اهل‌بیت (ع) و اداکردن اجر رسالت پیامبر (ص) در مراسم عزاداری شرکت می‌کنند. مقصودم بیان این نکته است که اهل انصاف به مقام والای اهل بیت (ع) و لزوم قدردانی از ایشان اعتراف دارند.

مشکلی که وجود دارد این است که ما با این که به عنوان محبان اهل‌بیت (ع) شناخته می‌شویم، اما در عمل می‌بینیم این محبت خود را در همه رفتارهای ما نشان نمی‌دهد و تجلی نمی‌کند. ما گاه به شدت نسبت به اهل‌بیت (ع) اظهار مودت و محبت می‌کنیم، در عزای ایشان عزاداری‌ها می‌کنیم، برای بزرگداشت ایشان هزینه‌ها صرف می‌کنیم، چه نذرهای می‌کنیم و چه اطعام‌ها می‌دهیم! و همه این‌ها چیزی جز نشانه محبت و علاقه به اهل بیت (ع) نیست، اما وقتی بررسی می‌کنیم می‌بینیم دست‌مان از محبتیکه همه رفتارهایما را تحت تأثیر خود قرار دهد چندان پر نیست. مقصود از اثر در این‌جا اثری است که مستقیماً و خالصاً از محبت ناشی شده باشد.

توضیح بیشتر این‌که: انسان چیزهایی را که خوشایند و لذت‌بخش می‌یابد در ابتدا به‌خاطر خوشی و لذتیکه از آن‌ها انتظار دارد، به‌سراغ‌شان می‌رود، اما به‌تدریج به خود آن شیء نوعی تعلق و وابستگی پیدا می‌کند، یعنی به دنبال لذت‌های مکرر و معنادار، کیفیتی نفسانیه نام محبت برای انسان پیدا می‌شود. محبت حالت ثبات دارد و یک حالت انفعالی‌گذا نیست، به‌گونه‌ای که وقتی پدید می‌آید گاهی حتی تا ده‌ها سال نمی‌توان آن را از دل بیرون کرد. اما منشأ پیدایش محبت نسبت به یک انسان این است که از ارتباط با آن شخص لذت‌برای انسان حاصل شود؛ ارتباطی همچون دیدن او، شنیدن صدای او، استفاده از دانش او، و ... اما با یک بار لذت بردن، محبت ثبات پیدا نمی‌کند. اگر این لذت تکرار شود، انسان نوعی وابستگی به آن شخص پیدا می‌کند که زمانی هم که آن لذت را درک نمی‌کند و امیدی هم به درک آن ندارد، دلش متوجه آن شخص است و دوست دارد او را ببیند یا به نوعی با او ارتباط برقرار کند.

این محبت وقتی شدت پیدا کند، حالتی در انسان ایجاد می‌کند که در اثر آن، انسان می‌خواهد همه دارایی و هستی خود را فدا یا و کند و اگر از او بپرسند چرا می‌خواهی هستی خود را فدای او کنی، می‌گوید: چرا ندارد؛ من او را دوست دارم! البته این پاک‌بازی به مرتبه و شدت و ضعف آن محبت بستگی دارد. اگر این محبت بسیار شدت یابد، شخص محب حاضر است خود و همه بستگان خود را فدای محبوبش کند. داستان‌هایی عشقی همچون داستان لیلی و مجنون که در تاریخ نقل شده از این قبیل محبت‌ها هستند. ما برخی افراد را دیده‌ایم که همیشه به اهل‌بیت (ع) توجه دارند و عشق و علاقه‌شان به اهل‌بیت (ع) چنان زیاد است که با شنیدن نام آن بزرگواران حالتی مخصوص پیدا می‌کنند که نمی‌توانند آن را توصیف کنند. این‌ها آثار محبت است. در داستان لیلیو مجنون، وقتی مجنون خدمتی به لیلی می‌کرد تنها آرزویش این بود که لیلی بفهمد او در حال فدا کردن خود برای لیلی است!

اما به راستی در میان مخلوقات چه کسی را می‌توان پیدا کرد، جز محمد و آل محمد(ص)، که سزاوار چنین محبتی باشد؟ ایشان کامل‌ترین و والاترین مخلوقات خدا هستند و به هر اندازه‌ای که به ایشان محبت خالصانه داریم، شایسته است این محبت خود را در رفتار ما نشان دهد، یعنی بدون هیچ گونه چشم‌داشتی به ایشان خدمت کنیم. اما از آن‌جا که ما نمی‌توانیم برای آن‌ها کاری انجام دهیم، بالاترین خدمتی که می‌توانیم به ایشان ارائه دهیم این است که بگوییم: خدایا! بالاترین و بهترین رحمت‌ها و فیض‌ها نزد تو است، و تو می‌توانی بهترین رحمت‌های خود را به ایشان عطا کنی. اما دست ما خالی است و چیزی برای پیش‌کش نزد ما نیست. از تو می‌خواهیم بهترین رحمت‌هایت را به ایشان عنایت فرمایی، که ایشان حقیقتاً سزاوار چنین عنایتی هستند! اگر انسان چنین حالتی پیدا کند، نمی‌دانم ارزش صلوات و دعایش چند برابر می‌شود، اما همین قدر می‌دانم که بسیار بالاست.

وابستگی‌ارزش عبادت به مراتب محبت

این اختلاف مراتب در صلوات افراد چیزی شبیه اختلاف مراتب عبادت‌یاست که برای خدای متعال انجام می‌گیرد. براساس آنچه از اهل بیت (ع) نقل شده، عبادت‌کنندگان سه دسته‌اند: دسته‌ای خدا را به‌خاطر ترس از عذاب عبادت می‌کنند. این‌ها مانند غلامان سیاهی هستند که از ترس کتک، مولای خود را اطاعت می‌کنند. از این‌رو عبادت ایشان را «عبادت عبید» گویند. اگر خدا جهنم نداشت آن‌ها خدا را عبادت نمی‌کردند. عده‌ای دیگر هستند که سطح عبادتشان کمی بالاتر است. ایشان برای نعمت‌های بهشتی خدا را عبادت می‌کنند. عبادت این دسته «عبادت تاجران» نام نهاده شده است. این نوع عبادت اشکالی هم ندارد. قرآن کریم هم می‌فرماید: هَلْ أَذِلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُحْيِيكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ. ۱ ولیدسته سوم کسانی هستند که خدا را عبادت می‌کنند تنها به‌خاطر این‌که او را دوست دارند. این «عبادت آزادگان» خوانده شده است. ایشان دل به خدا داده‌اند.

عین این مراتب درباره محبت اهل بیت(ع) هم وجود دارد. گاهی دوستی ما برای شفا یافتن بیماری‌مان یا دستیابی به شفاعت اهل بیت و نجات از عذاب است، که البته کار خوبی است و از خدا می‌خواهیم همین را هم از ما نگیرد. گاهی حاجتی بزرگ داریم و با ایشان قرار می‌گذاریم که اگر حاجت‌روا شدیم، فلان مبلغ را به آستان ایشان تقدیم کنیم. این رابطه هم رابطه خوبی است و نشانه آن است که به این خانواده(ع) ایمان داریم، و می‌دانیم که ایشان پیش خدا عزیزند و دعایشان مستجاب می‌شود، و می‌دانیم که آن‌ها شیعیان و دوستان‌شان را (گرچه همت‌شان ضعیف باشد) دوست دارند و دست مرحمت بر سرشان می‌کشند!

اما کسانی هم هستند که وقتی صبح از خانه بیرون می‌آیند، دلشان تشنه زیارت حرم حضرت معصومه(س) است، و آرام و قرار ندارند تا خود را به حرم برسانند و در و دیوارش را ببوسند. این بی‌قراری‌آنها برای گرفتن حاجت نیست، و چیزی هم از ایشان نمی‌خواهند. عطش آن‌ها ناشی از محبتی است که به این خاندان دارند، و این محبت ناشی از معرفتی است که به مقام ایشان دارند. این محبت به تدریج حالت وابستگی و دل‌بستگی را در ایشان پدید آورده که در این دل‌بستگی، دیگر آن منافع منظور نیست. چنان‌که گفته شد، انسان هر کسی یا چیزی را دوست ندارد ابتدا بدین خاطر است که از ارتباط با آن لذتی می‌برد، اما به تدریج با تکرار لذت‌ها به آن دل‌بستگی پیدا می‌کند و این دل‌بستگی دیگر در گرویان لذت‌ها نیست. اگر آن لذت‌ها هم برود این دل‌بستگی باقی می‌ماند.

درست است که ما وقتی می‌خواهیم اهل بیت(ع) را بشناسیم، ابتدا از طریق کرامات‌شان ایشان را می‌شناسیم، و این شناخت باعث محبت ما به ایشان می‌شود، اما اگر کمی‌همت کرده، این ارتباط را حفظ و تکرار کنیم، به ایشان دل‌بستگی ای پیدا می‌کنیم به نام عشق، که ارزش یک لحظه آن، از صدها سال عبادت بدون چنین حالی بیشتر است! ارزش برخی عبادت‌ها، تنها به‌خاطر توجه دل، هفتصد هزار بار از عبادت‌های دیگر بیشتر می‌گردد! مراتب خلوص در نیت کاری می‌کند که عبادت از یک بار، ده بار، هفتاد بار، هفتصد بار، صد هزار بار، هفتصد هزار بار و ... بیشتر ثواب پیدا کند. این درحالی‌است که ظاهر فیزیکی کار در همه مراتب یکسان است، اما باطن آن چنین مراتبی پیدا می‌کند. ارزش آن بوسه‌ای که تنها از روی محبت بر ضریح حضرت معصومه(س) زده می‌شود و در عمق دل زائر این است که بی‌بی‌جان دوستت دارم، سر و جانم فدای شما، و چیزی هم از شما نمی‌خواهم، بیشتر از بسیاری از پول‌ها، نذر و نیازها، اطعام‌ها و ... است.

باید تلاش کنیم معرفت و محبت ما نسبت به خدای متعال افزایش یابد تا ما هم شبیه ائمه معصومان(س) شویم و انگیزه عبادت کردن‌مان محبت به خدای متعال گردد. البته خدا انسان را به‌گونه‌ای خلق کرده است که از آتش می‌ترسد و نمی‌خواهد در آتش بسوزد، و نعمت‌های بهشتی را هم دوست دارد، اما محب خدا عبادت را به‌خاطر این‌ها انجام نمی‌دهد. اگر در شبانه‌روز تلاش کنیم دو رکعت نماز بخوانیم و با خدا این‌گونه نجوا کنیم که خدایا! من این نماز را به‌خاطر این‌که محبت من نسبت به تو باقی بماند و تو را بیشتر دوست بدارم می‌خوانم، و هیچ مزد دیگری هم نمی‌خواهم، شاید ارزش این دو رکعت نماز از عبادت همه عمر ما بیشتر باشد. در درگاه خدای متعال، کیفیت بسیار بیشتر از کمیت ارزش‌گذاری می‌شود و کیفیت عمل تابع معرفت، محبت و ارتباط قلبی است. باید تلاش کنیم این رابطه را تقویت کنیم.

اگر ما برای برآورده شدن حاجت هم صلوات می‌فرستیم، خوب است حاجت‌مان را در پیشگاه حضرت ولیعصر(س) این قرار دهیم: آقا من هزار صلوات می‌فرستم تا شما از خدا بخواهید معرفت مرا به شما زیاد کند! اگر مزد می‌خواهیم این‌گونه مزد بخواهیم. باور کنیم که اگر لذایذ دنیا باشد یا نباشد، چندان فرقی نمی‌کند. با خود درباره آن روزهاییکه بسیار خوش گذرانیدیم و روزهایی که بسیار بر ما سخت گذشت بیاندیشیم! به‌راستی اکنون چه‌قدر از آن خوشی‌ها یا سختی‌ها در یادمان باقی مانده است؟ هم روزهای سخت گذشت و هم روزهای شادی! واقعا هم گذشت! اکنون که فکر می‌کنیم گویا خوابی بیش نبوده‌اند. اما این معرفت و محبت است که در عمق دل ما تا ابد باقی می‌ماند و باعث می‌شود انسان در عالم آخرت هم با ائمه اطهار (ع) محشور باشد. این کجا و آن کجا؟! باید همت‌مان را بلندتر کنیم و اگر حاجت هم می‌خواهیم بیشتر روی حاجت‌های معنوی تکیه کنیم.